

سیری بر ویژه‌گی‌های اخلاق اسلامی

تحقیق: پوهنیار فضل احمد فاضل

چکیده

پرورش فضایل و خوبی‌های اخلاقی یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین اهداف والای رسالت پیامبران الهی بوده است، تا انسان در مسیر عبادت، معرفت و شناخت که علت اساسی آفرینش او را تشکیل می‌دهد قرار گیرد، چنانچه پیامبر بزرگوار اسلام با اشاره به هدف و فلسفه بعثت خویش بدان تصریح کرده است.

اخلاق و تربیت اسلامی با ویژه‌گی‌های منحصر به فردش تضمین‌کننده سعادت و کامیابی انسان‌ها در تمام عرصه‌های زنده‌گی می‌باشد، و راه درست را که جز آن راه دیگری وجود ندارد به همه‌شان نشان می‌دهد، چنانچه کمایی کردن و به درست آوردن تزکیه و تعلیم ارزش‌ها جزء لاینفک اخلاق و تربیت در اسلام می‌باشد که بدون آن نمی‌توان به کمال رسید.

طرح قضایای اخلاقی بگونه تئوریک و نظری کار ساز نبوده و نیاز مبرم به مربیان درست و خوبی دارد تا این نظریات را جامه عمل بپوشانند، و در غیر این صورت خطی بر روی کاغذ باقی خواهد ماند، و کدام تأثیر مثبتی در جامعه نخواهد گذاشت.

واژه‌گان و عبارت‌های کلیدی: اخلاق، تربیت، اسلام، ویژه‌گی‌های اخلاق، تزکیه، تعلیم، ارزش‌ها.

مقدمه

اسلام با وجود اینکه همواره مخالفینش را با روش خوب و پسندیده دعوت می نماید و با آنان رفتار نیکو را در پیش می گیرد و برای سرکوبی ناهنجاری ها در جامعه کمر همت می بندد تا اینکه یک جامعه خوبی به بار آید، هیچگاه از وجود اخلاق و کرامتی که در وجود مخالفین آن وجود دارد چشم پوشی نمی کند؛ بلکه از فضایل اخلاقی ایشان تمجید نموده و گاهی در راستای زدودن مشکلات از جامعه از آن استفاده شایانی را می نماید، چنانچه می توان نمونه های اخلاقی را که اسلام در زمان ابتدایی خود بدان ارج گذاشته است به عنوان مثال مانند کرم، وفا به عهد و پیمان، مهمان نوازی و دیگر صفات نیک انسان های زمان جاهلیت را یاد نمود، نه تنها اسلام از اخلاق شایسته استفاده کرد؛ بلکه آنها را به عنوان مهم ترین زبر بناها و اصول اخلاقی نیز عنوان کرده و دیگران را به انجام آنها تشویق نموده است.

اگر به تحلیل و بررسی اسباب و عوامل موفقیت پیامبر بزرگوار اسلام بپردازیم درخواهیم یافت که یکی از بزرگترین اسباب کامیابی و موفقیت شان همان اخلاق نیکو و سرشت خوب و برگزیده ایشان بوده است، پیامبر اسلام از آغازین دوران تا آخر عمرش به اخلاق کریمه آراسته و از هر وصف زشت و ناپسندی دور بود، و دیگران را به آنچه دعوت می نمود خودش پیشاپیش به آن جامعه عمل می پوشاند، پیامبر و حبیب ما از لحاظ اخلاق، بهترین مردم بود.

سعد بن هشام درباره ی اخلاق پیامبر از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها سؤال کرد: عایشه رضی الله عنها گفت: آیا قرآن را تلاوت نکرده ای؟ گفت: بله. فرمود: اخلاق پیامبر، قرآن بود. پیامبر و حبیب ما چنان با احکام قرآن پیوند داشت و بدان عمل می کرد که گویا قرآن با خلقتش عجین شده بود و هیچگاه از وی جدایی نداشت (۱/۱۴).

قرآن کریم در پهلوی دیگر عوامل مهم و اساسی، یکی از اسباب مهم گراییدن عرب های

جاهلی را به دین و آیین اسلام همان اخلاق زیبا و سرشت نیکوی پیامبر اسلام و یاران با وفایش تلقی می‌کند، چنانچه دانشمند بزرگ اسلام و مفسر کبیر شهید سید قطب به این موضوع اشاره نموده و می‌فرماید: در نخستین روزهای دعوت اسلامی تنها قرآن کریم عامل گراییدن عرب‌ها به اسلام و قضایای روح بخش آن نبود؛ بلکه در پهلوی آن اخلاق نیکو و سرشت زیبای پیامبر بزرگوار اسلام و یاران با وفایش بزرگترین تأثیر را روی دل‌های این مردم گذاشت، تا بالاخره به اسلام گرویدند، و تابع آن شدند (۱۲/۱۷-۱۸).

اخلاق نیک پیامبر، صلی الله علیه وسلم، سبب دخول مردم به اسلام بود، چنانچه سیرت نبوی مملو از مثال‌های زیادی است که بسیاری از صحابه به سبب اخلاق نیکوی پیامبر، صلی الله علیه وسلم، در عفو و در گذشتش یا جود و سخاوتش یا بردباری و نرمی‌اش یا تواضع و عدلش یا رحمت و شفقتش، مسلمان شده‌اند.

در عصر کنونی بیشترین کوشش دشمنان و مخالفین اسلام بیش از پیش این است تا مسلمانان را از اخلاق اسلامی دوره کرده و به فساد و تباهی دچارشان سازند، این دشمنان می‌ترسند که مسلمانان نمونه از اخلاق آن بزرگ مردان را در زندگی شان به معرض اجرا قرار داده و به اهداف ولای شان نایل آیند، که از اینگونه صفات و اخلاق نیکو دشمنان اسلام هراس دارند؛ زیرا کوشش‌های آنان بی نتیجه خواهد ماند و به اهداف شوم شان نخواهند رسید.

اهمیت تحقیق

دانشمندان هریک به نوبت خویش پیرامون فلسفه اخلاق، خویبها و فضایل آن سخن گفته اند؛ چنانچه اصول و روشی را برای آن ارائه داشته اند، که این کار بیانگر اهمیت و ارزش این قضیه در همه شرایط برای انسان بشمار می‌آید.

امروزه به دلیل کم‌رنگ بودن اخلاق اسلامی و گاهی نبود آن در بسا موارد از یک طرف،

و پرداختن به مسایل غیر اخلاقی و غیر اسلامی از طرف دیگر، باعث گسترش فساد، تباهی، قتل و غارت و دیگر ناهنجاری ها در جوامع بشری گردیده است؛ که پرداختن به موضوعات اخلاقی و بحث پیرامون آن و پیدا کردن راه حلی برای چنین چالش های از جایگاه بس بزرگ و مهمی برخوردار می باشد.

همه بدبختی ها و چالش های که امروزه جهان انسانیت بدان دچار اند، و با آنها دست و پنجه نرم می کنند جز دوری شان از اخلاق اسلامی سبب دیگری ندارد، سستی و ضعف مسلمانان در برابر دشمنان دیرینه شان، نشان دهنده ضعف آنان در میدان اخلاق اسلامی می باشد؛ اگر خواسته باشند از این حالت نجات یابند و در مقابل دشمنان شان نیرومند گردند جز به انجام و عملی ساختن قضایای اخلاقی در وجود شان راه و چاره دیگری ندارند.

هدف تحقیق

تبیین و توضیح قضایای اخلاقی و پرداختن به مسایل ضروری آن در روشنایی آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر بزرگوار اسلام و دیگر پیروان راستینش می باشد.

سؤال های تحقیق

۱. آیا نیاز به شناخت و معرفت قضایا و مسایل اخلاق اسلامی در جامعه هست؟
۲. شناخت ویژه گی های اخلاقی چه تأثیری بر روند کار و زندگی افراد در جامعه خواهد داشت؟

۳. شناخت و معرفت ابعاد اخلاقی، چه نتایج و پیامد های را به دنبال خواهد داشت؟

فرضیه تحقیق

فرض بر این است که تحقیق حاضر می تواند شناخت و معرفت اخلاق اسلامی و عملی نمودن آن را که یک امر ضروری و مبرم برای هر فرد در جامعه می باشد اثبات نماید.

پرابلم تحقیق

در جهان معاصر به مراتب بیش از پیش نیاز به داشتن اخلاق اسلامی است، تا بتوان به

وسیله آن بر ناهنجاری‌های موجود در جامعه فایق آمد و آنها را ریشه کن کرد؛ زیرا در بسیاری از موارد قضایا و مسایل اخلاقی در جامعه در نظر گرفته نمی‌شود، که در نتیجه باعث مشکلات فراوانی رونما می‌گردد.

نویسنده در این مقاله کوشیده است تا روی ویژه‌گی‌ها و مسایلی اخلاقی صفات آن، و دیگر قضایای مهم آن از گونه‌های متفاوت بحث و گفتگو نماید امید می‌رود نتایج مطلوبی را به در پی داشته باشد.

روش تحقیق

این تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده که از منابع معتبر علمی در محدوده کتاب و کتابخانه انجام می‌پذیرد.

پیشنه موضوع

دانشمندان از گذشته تا حال پرامون قضایای اخلاقی کتاب‌های فراوانی را به رشته تحریر در آورده اند که همه آنها یکسان نیست، چنانچه برخی از این بزرگواران اخلاق را بر اساس فلسفه و منطق ارسطو به عنوان بخشی از (حکمت علمی) به بحث گرفته اند، چون خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری، و برخی دیگر از مؤلفان و دانشمندان اسلامی مانند، امام ابو حامد غزالی بر مباحث اخلاقی آب و رنگ اسلامی داده و این مباحث را با آیات قرآنی و احادیث نبوی پررنگ کرده است که می‌توان این روش را از بهترین‌ها به حساب آورد و از آن استفاده بهینه را نمود، چنانچه نویسنده این مقال کوچک از همین روش استفاده نموده است (۶/ ۱۰).

قرآن کریم و احادیث نبوی مبنای اخلاق را بر ایمان به الله متعال و روز آخرت قرار داده است، سپس وظایف اسلامی و آداب دیگر را بر آن استوار نموده است؛ زیرا انسان تا زمانی ایمان به خدا و روز واپسین را در خود ایجاد نکند، سخن از قضایا و مسایل اخلاقی مفهومی

نخواهد داشت؛ چنانچه قرآن کریم این مدعا را تأیید کرده و می‌فرماید: فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (ق/۴۵) کسانی را به وسیله قرآن پند و اندرز بده که از بیم دادن و تهدید کردن من می‌ترسند. و جای دیگر می‌فرماید: وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ (انعام/۵۱). با آن (چیزهایی که در قرآن آمده است) کسانی را بترسان که (چون به جهان دیگر ایمان دارند، و از هول و هراس رستاخیز بیمناکند و) می‌ترسند از این که در پیشگاه پروردگار شان (به حساب و کتاب) گرد آورده می‌شوند و در جای دیگر تزکیه، یعنی پاکسازی روح را از تمام زشتی‌ها بر تعلیم و آموزش کتاب مقدم داشته است؛ چنانچه می‌فرماید: وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (آل عمران/۱۵۹) که این امر بیانگر اهمیت و ارزش ویژه‌گی‌های اخلاقی می‌باشد.

تعریف اخلاق

اخلاق: اخلاق جمع (خُلُق و خُلُق) است. خُلُق عبارت است از (سیمای باطنی و هیئت راسخ نفسانی که به موجب آن افعال نیک و بد اختیاری، بدون تکلف و تأمل از انسان صادر می‌شود). این حالت بر اثر تعلیم و تربیت و تمرین و ممارست برای نفس پدید می‌آید و خصلت و حالت ثابتی می‌شود، بدان گونه که رفتارهای پسندیده یا ناپسند به طور طبیعی و بدون آنکه به فکر کردن و سنجیدن نیاز باشد از انسان سر می‌زند (۵/ ۷-۸).

رابطه اخلاق با تربیت

اگر اخلاق را که صفات روحی و اعمال و رفتار عالی انسانی است در جهت درست و مثبت در نظر بگیریم اخلاق یکی از ثمرات، بلکه مهمترین ثمره تربیت است؛ بر این اساس تربیت، عملی است که اخلاق حاصل آن است، اگر چه تمامی آن نیست؛ مانند اینکه پرورش استعدادهای فکری و ذهنی و ذوقی و غیره که همگی در دایره تربیت و از موضوعات آن

هستند؛ به جهت این که به طور مستقیم با ملکات نفسانی و خصوصیات اخلاقی مرتبط نیستند جزء اخلاق محسوب نمی‌گردند.

قرآن کریم این دو واژه را مکمل یکدیگر قرار داده، و داشتن علم را بر این دو مقدم نموده است؛ چنانچه بدون داشتن اخلاق نمی‌توان تربیت درست شد، و بدون تربیت درست، اخلاق کدام مفهومی نخواهد داشت، قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ. (بقره/۱۲۹) ای پروردگار ما، در میان آنان (که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات ترا بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید و در جای دیگر می‌فرماید: وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران/۱۵۹) و اگر درشتخوی و سنگ دل می‌بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. این آیت مبارکه بیانگر این است که داشتن سرشت نیکو باعث تربیت دیگران می‌گردد؛ چنانچه داشتن تربیت نیکو باعث به وجود آمدن اخلاق نیکو می‌شود؛ بنا بر این این واژه می‌توان لازم و ملزوم یکدیگر بود.

جایگاه اخلاق در اسلام

هرگاه به حقیقت آفرینش انسان نگاه کنیم در می‌یابیم که انسان به خاطر شناخت و معرفت پروردگار آفریده شده است؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات/۵۶) من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام، و هدف از بعثت پیامبر اسلام نیز بر این امر استوار شده است که فضایل اخلاقی و مکار اخلاقی را کامل سازد؛ چنانچه می‌فرماید: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (۴/۱). من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام. از بیان قرآن کریم و احادیث پیامبر بزرگوار اسلام جایگاه تربیت

واخلاق و مقصد نهایی آن واضح می گردد؛ چنانچه گفته آمد موضوع اساسی اخلاق اسلامی وجود انسان و قوای نفسانی او می باشد، که هدف نهایی و مقصد والای اسلام را از بدو نزولش تا پایان آن بیان می دارد، از این رو نظام اخلاقی در نظر و عمل در صدر تعالیم و تکالیف دینی در کنار عقاید و شرایع قرار دارد؛ چنانچه پیامبر اکرم (ص) معاذین جیل را برای ابلاغ رسالت اسلام به یمن اعزام فرمود به دو توصیه کرد: کتاب خدا را به آنان بیاموز و به اخلاق خجسته تربیتشان کن.

چه نیکو گفته است احمد شوقی امیر شعرا در عصر حاضر

وَ إِنَّمَا الْأُمَمُ الْأَخْلَاقُ مَا بَقِيَتْ فَإِنْ هُمْ ذَهَبَتْ أَخْلَاقُهُمْ ذَهَبُوا. (۸/۱)

بی گمان آنچه که ملتها را نگه می دارد اخلاق آنانست هرگاه اخلاق نیکو از میان آنها رخت ببرند، آنان نیز به دنبال آن از میان می روند.

نقش اخلاق در ساختار شخصیت انسان

نقش اخلاق اسلامی در ساختار شخصیت انسان بسیار پُر واضح و آشکار است؛ چنانچه قرآن کریم و احادیث پیامبر بزرگوار اسلام گویای این مدعا است و در آیات مختلف قرآن کریم اشاره به نقش اساسی اخلاق شده و آن را یک امر مهم و ضروری دانسته است؛ زیرا بدون اخلاق نمی توان یک شخصیت تمام عیار اسلامی داشت؛ چنانچه برنامه های مهم و اخلاقی پیامبر اسلام بود تا توانست بزرگ مردان را به جهانیان تقدیم نماید که تاریخ نمونه شان را سراغ ندارد؛ چنانچه گفته آمد اخلاق اسلامی در ساختار شخصیت انسان نقشی تعیین کننده دارد و بدون آن انسان به خیر و کمال نمی رسد و به سعادت دنیا و آخرت دسترسی پیدا نمی کند. احیای شخصیت انسان، فلاح و رستگاری او به فضایل اخلاقی ارتباط داشته؛ چنانچه سقوط، مسخ و تباهی شخصیت او به رذایل اخلاق و دور شدن از قضایا و مسایل مهم آن ارتباط دارد؛ پس اخلاق با مفهوم دینی و الهی آن، احیاگر شخصیت و هویت واقعی انسانی و به اوج رساننده کمالات معنوی است (۶ ص ۱۵).

ویژه‌گی‌های مهم اخلاق اسلامی

در این میان به برخی از ویژه‌گی‌های مهم و ممتاز اخلاق و تربیت به گونه مختصر و خلاصه اشاره می‌شود:

الف) شمولیت

نظام اخلاقی اسلام شامل تمام ابعاد زندگی انسان می‌باشد؛ به گونه که هیچ چیزی را نمی‌گذارد؛ مگر اینکه برایش دستوری دارد، چنانچه در تمام عرصه‌های زندگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، خانوادگی، فردی و گروهی، دساتیر والا و ارزشمندی را برای شان به گونه کامل و شامل ارائه می‌دارد و ارتباط انسان با خدا و دیگر مخلوقاتش را بر اساس اخلاق و تربیت بنا می‌کند؛ بنابر این شمولیت و تکامل یکی از ویژه‌گی‌های مهم اخلاق و تربیت در اسلام به شمار می‌رود.

دکتر یوسف قرضاوی اندیشمند معاصر درمورد شمولیت اخلاق و تربیت اسلامی چنین می‌گوید: «اخلاق اسلامی نه آن چیزی است که نزد برخی مردم با عنوان «اخلاق دینی» معروف بوده و در به جا آوردن مراسم عبادی، پرهیز از خوردن گوشت خوک و نوشیدن شراب و اینگونه موارد خلاصه می‌شود و دیگر تمام؛ بلکه اخلاقی است که تمام زندگی را با جوانب و زمینه‌های گوناگونش در دورن خود جای می‌دهد» (۱۱/۱) و (۱۳/۳۳).

ب) توازن و انسجام درونی

به مجموعه ای «نظام» گفته می‌شود که تمامی اجزاء و عناصر آن با یکدیگر ارتباط و انسجام داشته و همه آنها هدف واحدی داشته باشند. در بسیاری از مکاتب اخلاقی، چنین انسجام و پیوند درونی مشهود نیست؛ مثلاً در نظام‌های متفاوت، متغیرهایی از قبیل پول داشتن، علم داشتن، قهرمان بودن و امثال آن را به عنوان ارزش تلقی می‌کنند، در حالی که میان آنها ارتباط و انسجامی مشهود نیست و تنها یک مجموعه ساختگی است. از طرف دیگر، طرح ارزش‌های جدید و طرد سایر ارزش‌ها به طور مداوم و تغییر و تحول پیوسته و همیشگی در این مکاتب، از این واقعیت پرده بر می‌دارد که مجموعه ارزشی آنها، علاوه بر برخوردار نبودن از انسجام، ملاک معقول و منطقی نیز ندارد؛ بلکه تابع میل و هوس مردم است؛ اما میان

ارزش های اسلامی آن چنان ارتباط معقول و منطقی وجود دارد که می توان این مجموعه را به صورت درختی ترسیم کرد که دارای ریشه ای قوی و مستحکم و تنه ای قدرتمند است. این درخت دارای شاخه های اصلی و فرعی است و جهت حرکت تمامی آنها نیز به سمت بالا است (۷ / ۴۵).

ج) میانه روی اسلام در اخلاق

اسلام میانه رو و معتدل است میان آرمان گرایان و ایده آلیست های افراطی که انسان را فرشته یا فرشته آسا می پندارند؛ بر همین اساس ارزش ها و روش های فراتر از توان وی، برایش طرح ریزی می کنند، و میان واقع گرایان افراطی که او را حیوان یا شبه حیوان قلمداد می کنند، و بر همین اساس رفتاری فروتر از شخصیت و ارزش وی برایش روا می دارند. دسته اول با حسن ظن به فطرت انسانی آن را خیر و نیکی محض به شمار آوردند و اینان با بدگمانی به آن طبیعت بشر را شر و پلیدی خالص برشمردند؛ در حالی که نظر اسلام در میان این دو گروه، نظری است میانه رو و معتدل.

انسان در نظر اسلام موجودی است مرکب، دارای عقل، شهوت، غریزه حیوانی و روحانیت فرشتگان که راه خیر و راه شر برای وی روشن و معلوم شده است. و از نظر ساختاری و فطری برای پویش هر دو راه مهیا شده است، هم می تواند راه شکر و سعادت را در پیش گیرد و هم راه کفر و شقاوت، در وی به اندازه استعداد پارسایی، استعداد ناپارسایی هم وجود دارد. مأموریت و وظیفه او مبارزه با نفس و پرورش آن است تا این که تزکیه و پاک و پاکیزه گردد (۱۱ / ۳۸).

د) واقع بینانه بودن اخلاق اسلامی

اخلاق و شیوه برخورد اجتماعی در اسلام، اخلاقی است واقعی که این دین با رعایت میانگین توان عموم مردم، و پذیرش ضعف بشری و به رسمیت شناختن انگیزه ها و نیازهای مادی و روانی انسان آن را ارائه کرده است.

توجه بدین نکته ضروری است آنچه که اسلام از مردم می خواهد نه ترک نعمت ها، بلکه استفاده خدایسندانه از نعمات به هنگام استفاده از آنها می باشد. اسلام از ما نخواسته که از

نعمت‌ها استفاده نکنید! بلکه دستور اسلام این است که از نعمت استفاده کنید؛ اما عابدانه و شاکرانه نه خودسرانه و تجاوزگرانه، و سفارش می‌کند که مال را در کف دست قرار بده نه در دل.

اسلام نیازمندی فرد و جامعه به ثروت را مد نظر قرار داده، و آن را عامل استواری و پایداری زندگی قلمداد نموده است، و دستور داده که در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و پاسداری از ثروت و دارایی‌ها اقدام گردد و قرآن در بیش از یک موضع، بی‌نیازی و ثروت را منت و نعمت به شمار می‌آورد، اسلام به درخواست عدالت‌ورزی و دادگری در برخورد با دشمنان اکتفا کرده است؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: **وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ٱلَّا تَعْدِلُواْ ۖ اَعْدِلُواْ هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ [المائدة: ۸]** دشمنانگی قومی باعث نشود که شما رفتار غیر عادلانه در پیش بگیرید، دادگری کنید که به تقوا و پرهیزکاری نزدیکتر است.

از جمله جلوه‌های واقع‌گرایی نظام اخلاقی اسلامی این است که این نظام تفاوت‌های فردی و عملی میان مردم را به رسمیت شناخته و مد نظر قرار داده است؛ چه همه مردم از لحاظ توان ایمانی، پایندی به فرمان‌های خداوند و دوری‌گزیدن از نواهی او، و نیز از نظر وفاداری به ارزش‌ها و آرمان‌های والا در یک سطح نیستند؛ همانگونه که حدیث مشهور جبرئیل اشاره می‌کند، دینداری دارای سه مرتبه است: مرتبه اسلام، مرتبه ایمان، و مرتبه احسان که بالاترین آن‌ها می‌باشد. و هر مرتبه‌یی طبعاً افراد خود را دارد. همچنین در یک تقسیم‌بندی دیگر، مسلمانان سه دسته‌اند آنگونه که قرآن می‌فرماید: **فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ�ْ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ۖ اِذْ ذٰلِكَ ٱلَّذِیۡ هُوَ ۚ (فاطر/۳۲)** برخی از آنان به خویشتن ستم می‌کنند، و گروهی از ایشان میانه‌روند، و دسته از ایشان در پرتو توفیقات الهی در انجام نیکی‌ها پیشتازند.

جفای‌پیشه‌گان خودستیز آن‌هایی هستند که کم‌کاری می‌کنند، برخ واجبات را ترک می‌کنند و مرتکب برخی کارهای حرام می‌گردند.

میانه‌روان کسانی هستند که به انجام تکالیف و دوری از کارهای حرام اکتفا می‌کنند، و در عین حال به انجام امور مستحب و دوری از مکروهات بی‌توجه هستند.

پیش‌تاز در نیکی هم کسی است که علاوه بر انجام واجبات، سنت‌ها و مستحبات را هم رعایت می‌کند، و دوری از امور شبهه‌ناک و مکروه را هم به ترک کارهای حرام می‌افزاید. فراتر از این، چه بسا که به منظور نیفتادن در ورطه حرام و مکروه از برخی کارهای حلال هم چشم‌پوشی می‌کند.

نکته‌ی دیگر در تکمیل این مفهوم، و آن این که نظام اخلاقی اسلام، پارسایان را مکلف ساخته است که همانند فرشتگان، بری از هرگونه عیب و نقص، و معصوم از هر گناهی باشند؛ بلکه در ارزیابی این نظام، انسان متشکل از گِل و روح است و در این صورت اگر روح گاهی وی را تعالی بخشد؛ گِل نیز هر بار وی را پایین می‌آورد. و برتری نیک مردان و وارستگان فقط در توبه و بازگشت به سوی پروردگار می‌باشد و بالاخره از نشانه‌های واقع‌گرایی اخلاق اسلامی این است که شرایط اضطراری و استثنایی همانند جنگ را مد نظر قرار داده است، و به خاطر آن کارها و اموری را مجاز اعلام نموده که در حالت صلح و برقراری آرامش غیر مجاز هستند، از جمله: تخریب اماکن و ساختمان‌ها، سوزاندن درخت‌ها و...، و نیز دروغ‌گویی و وارونه‌نمایی به منظور فریب و منحرف‌ساختن افکار دشمن در مورد حقایق لشکر اسلام، شما نفرات، جنگ‌افزارها و تاکتیک‌های عملیاتی آن، چرا که جنگ همانگونه که در حدیث هم آمده است نیرنگ و ترفند است (۱۱/ ۱۶۵- ۱۶۷).

ه) وجود مراتب در ارزش‌های اخلاقی اسلام

اسلام برای ارزش‌ها مراحل را قایل است. دسترس به بعضی از مراحل آن برای عموم میسر است، اما رسیدن به مراحل بالا و بالاتر برای همه انسان‌ها میسر نیست و این منحنی هر چه بیشتر به طرف بالا صعود کند و از بالا روندگان آن کاسته خواهد شد.

مراتب ارزش اخلاقی در مکتب اسلام طیف وسیعی از ارزش‌ها را شامل می‌شود که می‌توان برای آن مراحل را تا بی‌نهایت قائل شد، در حالی که ارزش‌ها در سایر مکاتب، فقط در دو دسته، یا در حد بسیار عالی و محدود یا در حد گسترده و یکسان برای همه، مطرح می‌شوند؛ به عنوان مثال، ترحم بر کودک یتیم، کمک به نابینا و لب‌خندی مهربانانه به روی انسانی نیازمند، مرحله‌ای از ارزش را تشکیل می‌دهند (۷۵/۷).

(و) هدف دین و غایت گرایی آن

از ویژه‌گی‌های دیگر نظام اخلاقی اسلام، غایت انگار است، نه وظیفه‌گرا. این گفته ممکن است در ابتدا، تعجب‌انگیز باشد، اما دلیل بر این مدعا این است که در متون دینی ما (اعم از آیات و احادیث نبوی) در مقام تشویق و دعوت به انجام کارهای خیر، بر این نکته تأکید شده است که این کارها موجب سعادت، آسایش، اطمینان، فلاح، فوز و مانند آن می‌گردد. یعنی اینکه این کارها بایستنی است و انسان باید به انجام آنها اهتمام ورزد؛ چرا که موجب سعادت او می‌گردد، و این عین غایت انگاری است. انسان به عنوان موجودی مختار و آگاه در افعال خود غایت داشته هر کاری را به هدفی و برای برآوردن غرضی انجام می‌دهد.

با توجه به آیات قرآن کریم معلوم می‌گردد غایت نهایی و مطلوب بالذات انسان در کارهای اخلاقی سعادت، فوز و فلاح نهایی است که اشاره به برخورداری او از بالاترین سرورها و شادابی‌ها به لحاظ کمی و کیفی دارد.

(ز) عقلانی و وحیانی بودن اخلاق اسلامی

نظام اخلاقی اسلام عقلانی و وحیانی است. بدین معنا که هم خرد و اندیشه انسان و هم پیامبران الهی بدان دعوت می‌کند که از این امر گاهی به فطری بودن دین نیز تعبیر می‌شود. متکی بر وحی بودن باعث می‌شود راهنمایی‌های اخلاقی آن مصون از خطا باشد. احکام اخلاقی در حقیقت راه‌های تحقق کمال انسان را تبیین می‌کند؛ یعنی در واقع هر دستور یا رهنمود اخلاقی که بیان می‌کند با انجام درست آن به کمال وجودی خود نزدیک تر شده و در صورت ترک فلان عمل اخلاقی زشت از دوری نسبت به کمال خویش مصون می‌مانیم.

(ح) گستردگی و غنای منابع اخلاق اسلامی

منابع اخلاقی اسلامی غنی و گسترده است، قرآن سرچشمه زاینده معارف اخلاقی است. احادیث و سنت نبوی و سیره عملی زندگی پیامبر اکرم (ص) و شاگردان ممتاز مدرسه دعوت ایشان، تفسیر عملی گویایی بر آیات نورانی قرآن هستند که شرایط و چگونگی تطبیق معارف کلی اخلاقی اسلام را در موقعیت‌های گوناگون زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی به ما آموزش می‌دهند.

ط) قابلیت تطبیق در تمام شرایط زمانی و مکانی

این ویژه گی از برجسته ترین جنبه های اخلاق اسلامی است؛ زیرا هر نظام اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار می ماند که به نیازهای اخلاقی انسان بهتر پاسخ دهد. این نیازها در عین ثباتی که در همه زمان ها و مکان ها دارند همراه با شرایط و ویژه گی های هر عصر و هر مکان مصادیق و مظاهر گوناگونی می یابند. اخلاق اسلامی به جهت آن که معطوف به نیازهای اخلاقی انسانی است، جنبه ثابت و پاینده ای را در خود دارد و در طی زمانی طولانی توسط بزرگان و علماء متعهد و متخصص دین با شرایط متفاوت اجتماعی و تاریخی تطبیق شده است و وجه انعطاف پذیر ظواهر و مظاهر آن نیز شناسایی شده است؛ بنابراین بی آن که به ورطه نسبیت مبتلا شود، می تواند پاسخگوی انسان در همه زمان ها و جوامع باشد.

ی) همگانی بودن مسیر رشد اخلاقی برای همه انسان ها

یکی دیگر از ویژه گی های اخلاق اسلامی این است که مسیر رشد اخلاقی را بر همه انسان ها به طور مساوی گشوده می داند. این ویژه گی ناشی از انسان شناسی اسلامی و تربیت اسلامی است تربیت اسلامی شرایطی سنی و محیطی و معرفتی افراد را در نظر دارد به همین دلیل و پاداش و کیفر هر فرد به تناسب شرایط اوست تناسب پاداش و کیفر با شرایط هر فرد موجب می شود هیچ گاه انسان حرکت به سوی کمال را دیر نمی شمارد و گمان نخواهد کرد به سبب شرایط ویژه یی که دارد به کمال نخواهد رسید. انسان مسلمان با ایمان هیچ گاه نمی تواند شرایط سنی خود را بهانه یی برای سستی در مسیر کمال قرار دهد. همچنین هیچ فرد مسلمانی نباید فقدان امکانات و ابزار مادی را بهانه کند و تکالیف اخلاقی و شرعی خود را ترک کند. در نظام فقهی و اخلاقی اسلام هر فرد در هر شرایطی تکلیف خاص خود دارد که متناسب با امکانات و توانایی های مربوط به همان شرایط است در نتیجه همه انسان ها در هر برهه زمانی و در هر محیط اجتماعی و جغرافیایی می توانند به سوی کمال حرکت کنند و اگر تکالیف اخلاقی خویش را به شایستگی و با خلوص نیت انجام دهند. مراتب بلندی از کمال را در می یابند (۷/۱).

نتیجه‌گیری

۱. نظام اخلاقی اسلام، دستورش را از وحی الهی دریافت می‌کند (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى) و از همه دشواری‌های و مشکلات مصون می‌باشد و تمام احکامش را به گونه‌ی واضح و مبرهن بیان می‌دارد، تا راه سعادت و پیروزی را برای انسان هموار نماید.
۲. دین اسلام به عنوان مجموعه‌ی بی‌از عقاید و دستورات عملی است؛ اما اخلاق اسلامی به عنوان مجموعه‌ی آموزه‌هایی که راه و رسم زندگی کردن به نحو شایسته و بایسته را ترسیم کرده، می‌باشد.
۳. در دیگر ادیان چنانچه در اسلام مشاهده می‌شود در میان شکل و محتوا انسجام و پیوندی وجود ندارد.
۴. تنها راه درست و صحیح برای شنایی خوب و بد کتاب خدا و سنت پیامبر اسلام است و بس؛ اگر چه گاهی توسط عقل نیز می‌توان برخی از خوب و بد‌ها تشخیص داد؛ ولی به تنهایی صلاحیت ندارند که مرجع و مأخذ برای شناسائی نیک و بد قرار داده شوند.
۵. تنها محرک اساسی انسان برای انجام قوانین باید ایمان او به خدا و روز آخرت باشد، و محبت با خدا و دینش باید او را به این راه تشویق نماید، و الا نمی‌توان به گونه‌ی دایمی قوانین و قضایای اخلاقی را بر خود و جامعه به گونه‌ی درست مشاهده نمود.
۶. برای برقراری ثبات در جامعه باید از اخلاق و تربیت اسلامی کار گرفت و وجدان انسان‌ها را توسط قوانین ولایش صیقل داد و آنان را به سوی قله‌های از معرفت و کمال سوق داد، که قرآن کریم و احادیث پیامبر درست می‌تواند از عهده چنین کاری برآید.
۷. اخلاق و تربیت اسلامی در تمام ابعادش از خود حد و مرز مشخصی را دارد که باید بدان توجه صورت گیرد؛ در غیر آن نمی‌توان یک جامعه‌ی درستی را بنا نمود و از آن خیر و فلاحی را منتظر بود..
۸. اخلاق و تربیت اسلامی شامل تمام عرصه‌های زندگی انسان بوده و کاملاً با فطرتش سازگار است و هیچ گونه نقص و کمی را در این راستا مشاهده نمی‌کنیم و به گونه‌ی کامل تمام

قضایا را به بررسی گرفته و برای هریک دستور و قانون را وضع کرده است.

پیشنهاد ها

۱. وظیفه و مکلفیت هر فرد است تا ویژه گیهای اخلاق اسلامی را دانسته و موافق آن در زندگی اش عمل نماید و از مخالفت با اسلام و دساتیرش جدا خود داری نماید، تا سعادت دنیا و آخرت را نصیب شود.
۲. دانشمندان اسلامی و نویسندگان این خطه باستانی مکلف اند تا از طریق نوشته ها و سخنرانی های شان فضایل اخلاقی و مواصفات آن را در جامعه معاصر انعکاس داده و از بی عدالتی و بی انصافی جلوگیری نمایند.
۳. مسئولین ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی وظیفه دارند تا با رعایت قانون و مقررات، اخلاق اسلامی را سرمشق زندگی شان قرار دهند تا از مشکلات در جامعه کاسته شود.
۴. بدون شک دور بودن از اخلاق اسلامی یک چیزی است منکر و ناپسند که عواقب زشت و ناگواری را در دنیا و آخرت در پی خواهد داشت.
۵. مبارزه با بد اخلاقی نخست و در قدم اول وظیفه دولت مردان است؛ سپس علماء و دانشمندان و در اخیر هریک از کسانی که در جامعه انسانی زندگی می کنند.
۶. روی آوردن به قضایای اخلاقی و عملی ساختن آن در زندگی مایه حیات برای همه انسان ها است و خود یک کاری است؛ بس مهم و ارزشمند، و دوری از این قضایا نه تنها کسانی که به آنها عمل نمی کنند ضرر می رساند؛ بلکه بلا و مصیبت دامنگیر همه اقشار ملت می گردد؛ بنابراین باید همه به خاطر رفع و ریشه کن کردن ناهنجاری های اخلاقی کمر همت ببندند.

مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. انیس ابراهیم، منتصر عبد الحلیم و همکاران. (۱۳۸۴). المعجم الوسیط (عربی -

- فارسی). مترجم محمد بندر ریگی. تهران: قم چاپ قدس. انتشارات اسلامی.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۳۲ هـ ق صحیح البخاری. بیروت: دار الفکر.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۵). سنن الترمذی. مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
۵. خرم دل، مصطفی. (۱۳۷۱). تفسیر نور. تهران: نشر احسان.
۶. رهبر، محمد تقی و رحیمیان، محمد حسن. (۱۳۸۶). اخلاق و تربیت اسلامی. تهران: چاپ و صحافی سازمان چاپ و انتشارات وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. شریفی، احمد حسین. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی.
۸. شوقی، احمد. (۱۴۱۹ هـ ق ۱۹۹۸). الموسوعة الشوقية. بیروت: الطبعة الثانية. دار الكتاب العربي.
۹. غزالی مصری، محمد. (۱۳۷۸) اخلاق اسلامی. ترجمه محمود ابراهیمی. تهران: نشر احسان.
۱۰. فوزی، محمد فیض الله و حنیکه الشیخ عبد الرحمن حسن و القلاش الشیخ أحمد. (۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸). منهج التربية النبوية للطفل. الكويت: الطبعة الثانية. مكتبة المنار الإسلامية. مطبعة الفيصل.
۱۱. قرضاوی، یوسف. (۱۳۷۹). ویژه گی های کلی اسلام. ترجم [جلیل بهرامی نیا. تهران: نشر احسان.
۱۲. قطب، سید. (۱۴۲۳ هـ ق ۲۰۰۲). التصوير الفني في القرآن. بیروت: لبنان. دار الشروق للنشر والتوزيع
۱۳. قطب، محمد. (۱۴۰۹ هـ ق ۱۹۸۹). منهج التربية الإسلامية. بیروت: دار الشروق.

الطبعة الثانية عشر.

۱۴. نیشاپوری، مسلم بن حجاج قشیری. (۱۴۳۲). **صحیح مسلم**. بیروت: دار الفکر.